در محضر آيت الله العظمي علوي گرکاني (دامت برکاته(

آيت‌ الله‌ العظمي‌ علوي‌ گرگاني‌ در 14 جمادي‌ الثاني‌ سال‌ 1359 ق‌ (29 خرداد 1318‌ش) در نجف‌ اشرف‌ در بيت‌ علم‌ و فضيلت‌ و تقوا چشم‌ به‌ جهان‌ گشود.

وي‌ در سن‌ هفت‌ سالگي‌ (1365 ق)، همراه‌ پدر بزرگوارش‌ (آيت‌الله‌ حاج‌ سيد سجّاد علوي<ره>) از نجف‌ اشرف‌ به‌ ايران‌ آمد و در نزد ايشان‌ به‌ فراگيري‌ علم‌ و دانش‌ پرداخت‌ و هنوز بيست‌ سال‌ از عمرش‌ سپري‌ نشده‌ بود كه‌ <سطح> را در نزد اساتيد آن‌ دوران‌ در قم‌ گذراند و در سال‌ 1378 ق‌ در حلقه‌ درس‌ آيت‌الله‌ العظمي‌ بروجردي(ره) حاضر و سه‌ سال‌ از خرمن‌ فيض‌ آن‌ فقيه‌ سترگ‌ توشه‌ برگرفت‌ سپس‌ در درسهاي‌ فقه‌ و اصول‌ اساتيد برجسته‌ حوزه‌ (حضرات‌ آيات‌ امام‌ خميني<ره>، محقق‌ داماد<ره>، گلپايگاني<ره>، شاهرودي<ره>، حائري‌ يزدي<ره>، اراكي<ره>) شركت‌ جست.

معظم‌ له‌ از همان‌ اوان‌ تحصيل‌ به‌ تدريس‌ نيز پرداخته‌ و هم‌ اكنون‌ نيز به تدريس‌ خارج‌ فقه‌ و اصول‌ در حوزهِ علميه‌ قم‌ مشغول مي‌باشد.

از جمله‌ تأ‌ليفات‌ معظم‌ له‌ عبارتند از:

توضيح‌ المسائل، شرح‌ شرايع‌ الاسلام، لئالي‌ الاصول، نورالبيان‌ في‌ تفسير القرآن، طبقات‌ الرجال، القواعد الفقهيه، تقريرات‌ درس‌ اصول‌ حضرت‌ امام‌ خميني(ره) و....

سخنان حجت‌الاسلام‌ والمسلمين‌ پورسيدآقايي‌ سردبير فصلنامهِ‌ انتظار:

‌بسم‌ الله‌ الرحمن‌ الرحيم‌ و صلي‌ الله‌ علي‌ سيدنا محمد و آله‌ الطاهرين‌ لاسيّما بقيّه` الله‌ في‌ الارضين‌ اللّهم‌ كن‌لوليك‌الحجه` ابن‌ الحسن... .

‌از اين‌ كه‌ ما را به‌ حضور پذيرفتيد، بسيار سپاسگزاريم‌ و اميدواريم‌ كه‌ در اين‌ فرصت‌ محدود از تذكرات‌ و بيانات‌ ارزندهِ حضرت‌ عالي‌ بهره‌مند شويم‌ اجازه‌ مي‌خواهم‌ درابتدا به‌ معرفي‌ مركز تخصصي‌ مهدويت‌بپردازم. اجمالاً عرض‌ كنم‌ كه‌ مركز تخصصي‌ مهدويت‌ وابسته‌ به‌ بنياد فرهنگي‌ حضرت‌ مهدي‌ موعود(عج) مي‌باشد‌و اين‌بنياد با مسؤ‌ليت‌ حجت‌الاسلام‌ والمسلمين‌ قرائتي‌ و برخي‌ ديگر از شخصيت‌هاي‌ علمي، فرهنگي‌ تشكيل‌ شده‌ و با عنايات‌ مقام‌ معظم‌ رهبري‌ چند سالي‌ است‌ كه‌ به‌ كار خود ادامه‌ مي‌دهد.

شعبهِ قم‌ شعبه‌اي‌ است‌ كه‌ عهده‌ دار تربيت‌ نيرو و مباحث‌ آموزشي، پژوهشي‌ آن‌ مجموعه‌ است‌ و اين‌ حقير هم‌ اين‌ توفيق‌ را دارم‌ كه‌ خادم‌ ياوران‌ و سربازان‌ حضرت‌ حجت‌ عجل‌ الله‌ تعالي‌ فرجه‌ الشريف‌ باشم.

دروس‌ تخصصي‌ اين‌ مركز شامل‌ مباحث‌ اعتقادي، تاريخي، حديث‌شناسي، منبع‌شناسي، ادعيهِ مربوط‌ به‌ حضرت، شناسائي‌ فرقه‌هاي‌ انحرافي، پاسخ‌ به‌ شبهات‌ و سؤ‌الات‌ و برخي‌ ديگر از دروس‌ مي‌باشد. اين‌ دوره‌اي‌ كه‌ الان‌ ما در خدمت‌ اين‌ آقايان‌ هستيم‌ و توفيق‌ خادم‌ بودن‌ اين‌ها را داريم‌ دوره‌اي‌ است‌ تحت‌ عنوان‌ تربيت‌ مدرّس. آقايان‌ مي‌بايد ديگر تخصصي‌هاي‌ سطح‌ چهار حوزه‌ و يا شش‌ سال‌ درس‌ خارج‌ را به‌ اتمام‌ رسانده‌ باشند و پس‌ از امتحان‌ و مصاحبه‌هاي‌ علمي‌ مورد پذيرش‌ قرار مي‌گيرند.

پذيرفته‌ شدگان‌ بايد يك‌ دورهِ سه‌ سالهِ آموزشي، پژوهشي‌ را بگذرانند و از آن‌ طرف‌ هم‌ مدت‌ حداقل‌ يك‌ سال‌ را بايد براي‌ پايان‌نامه‌ بگذرانند.

اين‌ عزيزان‌ وقتي‌ كه‌ كارشان‌ تمام‌ بشود عهده‌ دار تدريس‌ و تبليغ‌و پژوهش‌ در امر خطير مهدويت‌ در سطح‌ داخلي‌ و خارجي‌ مي‌شوند، الان‌ ما شعبه‌اي‌ در اصفهان‌ تأ‌سيس‌ كرديم. يك‌ شعبه‌اي‌ هم‌ در مشهد در ابتداي‌ سال‌ تحصيلي‌ جديد ان‌ شاءالله‌ تأ‌سيس‌ مي‌شود و مقدماتش‌ فراهم‌ شده‌ شعبه‌اي‌ در مازندران، در شيراز، در تهران‌ مشغول‌ به‌ رايزني‌ و گفت‌ وگو هستيم‌ كه‌ ان‌ شاءالله‌ تأ‌سيس‌ بشود.

اين‌ شعبه‌ها كمبود اساتيدشان‌ را از مركز قم‌ تأ‌مين‌ مي‌كنند. بايد اعتراف‌ كرد كه‌ در اين‌ مباحث‌ جاي‌ تحقيق‌ و پژوهش‌ بسيار خالي‌ است. آن‌ چه‌ كه‌ هست‌ متأ‌سفانه‌ بيشتر تكيه‌ بر خواب‌ها و يا تشرفاتي‌ است‌ كه‌ برخي‌ از آن‌ها معلوم‌ نيست‌ تا چه‌ اندازه‌ از صحت‌ و سقم‌ برخوردار باشند شايد بيشتر منبرها را هم‌ همين‌ گونه‌ بحث‌ها تحت‌ الشعاع‌ قرار داده‌ است، در حالي‌ كه‌ ما در اين‌ قسمت‌ مباحث‌ بسيار اساسي‌ داريم‌ و جاي‌ آن‌ است‌ كه‌ مورد بررسي‌ و پژوهش‌ قرار بگيرد.

الحمدلله‌ چندي‌ پيش‌ مركز مديريت‌ حوزهِ علميهِ قم‌ مركز تخصصي‌ مهدويت‌ را كه حدود يكصد نفر از مهدي‌ پژوهان‌ در اين‌ مجموعه‌ مشغول‌ به‌ تحصيل‌ هستندبه‌ عنوان‌ يكي‌ از مراكز تخصصي‌ به‌ تصويب‌ رساند كه تا بتواند هم‌ اكنون‌ در سطح‌ سه‌ و ان‌شاءالله‌ بعدها در سطح‌ چهار به‌ جذب‌ دانش‌پژوه‌ بپردازد. مباحث‌ امامت‌ عامه‌ با ادلهِ عقلي‌ و نقلي‌ و به‌ صورت‌ مُفصل، مباحث‌ مهدويت‌ (يا امامت‌ خاصّه) بصورت‌ گسترده‌ و عميق‌ زير نظر اساتيد مجرب‌ و ورزيده‌ برگزار مي‌شود از جمله‌ برنامه‌هاي‌ اين‌ مركز و دانش‌ پژوهان‌ آن‌ اين‌ است‌ كه‌ خدمت‌ مراجع‌ بزرگوار مي‌رسيم‌ و از نظرات‌ و رهنمودهاي‌ آنها استفاده‌ مي‌كنيم‌ و خداوند توفيقي‌ به‌ ما داد كه‌ خدمت‌ حضرت‌ عالي‌ برسيم.

اميدواريم‌ كه‌ از نظرات‌ و رهنمودهاي‌ شما استفاده‌ بكنيم. در پايان‌ اين‌ نكته‌ را هم‌ بيان‌ كنم‌ كه‌ اين‌ مركز تخصصي‌ از مباحث‌ تبليغي‌ و هنري‌ هم‌ غافل‌ نيست. برخي‌ آقايان‌ براي‌ تبليغ‌ به‌ تهران‌ و يا بعضي‌ از مراكز دانشگاهي‌ و يا شهرها و شهرستانها اعزام‌ مي‌شوند. و براي‌ صدا و سيما برنامه‌هاي‌ متعددي‌ تهيه‌ شده‌ است، فعاليت‌هاي‌ مفيدي‌ جهت‌ ساختن‌ داستان‌ها و يا تهيهِ ويژه‌ برنامه‌ها صورت‌ گرفته‌ است. حدود يكصد نفر از مهدي‌ پژوهان‌ در اين‌ مجموعه‌ مشغول‌ به‌ تحصيل‌ هستند همچنين‌ مجله‌اي‌ داريم‌ بنام‌ فصلنامهِ انتظار، كه‌ خدمت‌ حضرت‌ عالي‌ تقديم‌ شده‌ و هم‌ اكنون‌ نُه‌ شماره‌اش‌ به‌ چاپ‌ رسيده‌ است‌ و شمارهِ دهم‌ در راه‌ است. بيش‌ از اين‌ مصدّع‌ اوقات‌ شريف‌ حضرت‌ عالي‌ نمي‌شوم‌ از اين‌ هم‌ كه‌ تفصيل‌ دادم‌ عذر خواهي‌ مي‌كنم.با ذكر صلواتي به استقبال بيانات حضرت آيت الله علوي گرگاني ميرويم.

‌سخنان‌ حضرت‌ آيت‌اللّه‌ العظمي‌ علوي‌ گرگاني‌ (دامت‌ بركاته):

بسم‌ الله‌ الرحمن‌ الرحيم‌ الحمدلله‌ رب‌ العالمين‌ و الصلاه` و السّلام‌ علي‌ رسول‌ اللّه‌ و علي‌ آله‌ آل‌ اللّه‌ لا سيّما بقيّه`‌اللّه‌ في‌ الارضين‌ حجه`‌اللّه‌ علي العالَمين‌ و لعنه`َ اللّه‌ علي‌ اعدائِهِم‌ و منكري‌ فضائلهم‌ و مناقِبهم‌ اجمعين‌ من‌ الان‌ الي‌ قيام‌ يوم‌ الدّين. قال‌ عزّ من‌ قائل‌ و جلّ من‌ متكلّم‌ في‌ القرآنِ العظيم‌ اعوذ باللّه‌ من‌ الشّيطان‌ الرجيم‌ بسم‌ اللّه‌ الرحمن‌ الرحيم‌ و لقد وصلنا لهم‌ القول‌ لعلهم‌ يتذكرون.1

حقير ضمن‌ تشكر و سپاسگزاري‌ از همهِ عزيزان‌ كه‌ اظهار لطف‌ فرمودند، و حقير را مورد عنايت‌ خودشان‌ قرار دادند و مخصوصاً كه‌ گروه‌ شما مزيّن‌ به‌ عنوان‌ مهدويت‌ و نام‌ نامي‌ آن‌ بزرگوار هستيد، در نتيجه‌ خيلي‌ عزيز و محترميد ان‌ شاءالله‌ كه‌ ما بتوانيم‌ شرايط‌ ظهورش‌ را به‌ جا آوريم. و شما بايد قدر خودتان‌ را خيلي‌ بدانيد؛ چرا كه‌ اين‌ كار، كار بسيار خوب، پراهميّت‌ و ثمربخشي‌ است.

به‌ نظر حقير مي‌توان‌ گفت‌ در اين‌ روزگار جامعهِ تشيع‌ فقر فوق‌ العاده‌اي‌ در اين‌ مورد دارد. و حضرت‌ بقيّه` الله‌ امام‌ زمان(ع) مظلوم‌ترين‌ فردي‌ است‌ كه‌ بر روي‌ كرهِ زمين‌ زندگي‌ مي‌كند. و حضرت‌ خيلي‌ مظلوم‌ است. بنده‌ اسم‌ نمي‌برم‌ بعضي‌ از بزرگان‌ را كه‌ گاهي‌ با هم‌ تماس‌هايي‌ داريم‌ مي‌گويند كه‌ انسان‌ بايد در نيمه‌ شب‌ برخيزد و بر غربت‌ و مظلوميت‌ آقا گريه‌ كند.

آقا در غربت‌ عجيبي‌ به‌ سر مي‌برد. اين‌ مملكت‌ متعلق‌ به‌ آقاست، آقا نسبت‌ به‌ مملكت‌ ما عنايت‌ دارد، در زماني‌ كه‌ به‌ اين‌ كشور عثمانيها حمله‌ كرده‌ بودند و اين‌ كشور را داشتند از بين‌ مي‌بردند، يكي‌ از بزرگان‌ رفته‌ بود در مسجد سهله‌ گريه‌ و زاري‌ مي‌كرد و متوسل‌ به‌ آقا شده‌ بود كه‌ آقاجان‌ در چنين‌ وضعي‌ شيعه‌ها كشته‌ مي‌شوند. و حضرت‌ به‌ آن‌ بزرگوار فرمود: چرا آن‌ قدر ناله‌ مي‌كنيد؟ تو خيال‌ مي‌كني‌ كه‌ دشمنان‌ مي‌توانند ايران‌ را از بين‌ ببرند؛ ايران كشور ماست، اين مملكت من است و بدانيد كه ايران صاحب دارد.

قربانشان‌ بشوم‌ اين‌ واقعيت‌ است، امّا آدم‌ دلش‌ از اين‌ مي‌سوزد كه‌ كسي‌ در خانه‌ خودش‌ غريب‌ باشد.

بعضي‌ مقاله‌ها را بنده‌ مطالعه‌ مي‌كنم‌ بعضي‌ سخنان‌ عزيزان‌ را، خيلي‌ متعجب‌ مي‌شوم. مي‌بينم‌ يك‌ سلسله‌ مطالبي‌ را مي‌گويند دربارهِ شخصيت‌ آقا [كه‌ عجيب‌ است] اين‌ها مي‌خواهند آقا را مثل‌ اين‌ كه‌ از آن‌ حالت‌ بيرون‌ بياورند. بله، مي‌گويند اين‌ها چيزهاي‌ قديمي‌ شده‌ است‌ بايد يك‌ چيز نويي‌ در بازار عرضه‌ شود، يعني‌ چه؟ چه‌ حرفهايي‌ است؟ من‌ نمي‌خواهم‌ حالا بيشتر [موضوع‌ را بشكافم] به‌ قول‌ آقايان‌ درد گفتن‌ هنر نيست، هنر در درمان‌ است.

حضرت‌ رسول‌ صلوات‌ الله‌ و سلامه عليه‌ فرمود:

<الا اخبركم بدائكم من دوائكم؟ قلنا: بَلي‌ يا رَسول‌ اللّهِ>؛

نمي‌خواهيد درد و دواتان‌ را به‌ شما بگويم؟ عرض‌ كردند چرا يا رسول‌ الله‌ بفرماييد،

فرمود:

<دائكم‌ الذنوب‌ و دَوائكم‌ الاستغفار>2؛

گناهانتا ن‌ مرض‌ است‌ و بايد با استغفار درمان‌ كرد.

مرحوم‌ فيض‌ رحمه`‌الله‌ عليه‌ مي‌فرمايد:

<اِستِغفارُ كُلُّ شَيءٍ بِحَسبه>؛

استغفار در هر جا معناي‌ خودش‌ را مي‌دهد.

اين‌ جور نيست‌ كه‌ آدم‌ همه‌ جا بنشيند تسبيح‌ دست‌ بگيرد و [بگويد ] استغفرالله. بلكه، توبه‌ هر جا به‌ يك‌ صورتي‌ است‌ توبهِ در اموال‌ يك‌ جور است، توبه‌ در كارهاي‌ ديگر طور ديگر است. به‌ هر تقدير نمي‌خواهم‌ وقت‌ شريفتان‌ را بگيرم‌ ولي‌ من‌ دربارهِ شخصيت‌ آن‌ بزرگوار و اين‌ كه‌ تا چه‌ اندازه‌ ما موظفيم‌ به‌ شخصيت‌ اين‌ بزرگوار،آشنايي‌ پيدا كنيم‌ صحبت‌ مي‌كنم. اين‌ آيه‌اي‌ كه‌ در ابتداي‌ سخن‌ تلاوت‌ كردم‌ آيهِ بسيار تكان‌ دهنده‌اي‌ است. الحمدلله‌ همهِ شما اهل‌ كماليد شايد من‌ اينجا صحبت‌هايم‌ يك‌ خورده‌ فُضولي‌ به‌ پيشگاه‌ مقدستان‌ باشد. اين‌ آيه‌ را در سوره‌ مباركه‌ قصص‌ دقت‌ كرديد. خيلي‌ آيهِ عجيب‌ و تندي‌ است. يكي‌ از بزرگان‌ مي‌گفت‌ كه‌ اين‌ آيه‌ مدرك‌ و مستمسك‌ عقيدهِ صحيح‌ و صريح‌ شيعه‌ هست. آيه‌ اين‌ است‌

(بسم‌ الله‌ الرحمن‌ الرحيم‌ و لقد وصلنا لهم‌ القول3)

ما وظيفهِ خود را تمام‌ كرديم‌ آن‌ چه‌ بنا بود گفته‌ بشود رسانديم.

پيغمبر خدا فرمود:

<اللّهم‌ انّي‌ قد بلّغت>؛

حضرت‌ گريه‌ افتاد بالاي‌ منبر فرمود خدايا تو شاهد باش‌ آنچه‌ كه‌ وظيفه‌ بود رساندم‌ خداي‌ عزوجل‌ هم‌ مي‌گويد

<من‌ آنچه‌ كه‌ وسيله‌ بود براي‌ شما رساندم‌>

(و لقد وصّلنا لهم‌ القول‌ لعلهم‌ يتذكّرون)

ولي‌ اي‌ كاش‌ كه‌ ما تذكر پيدا مي‌كرديم. امروز يكي‌ از چيزهايي‌ كه‌ واقعاً خدا به‌ ما لطف‌ كرد ولي‌ ما كم‌تر به‌ آن‌ توجه‌ مي‌كنيم‌ اين‌ كه‌ در مملكتي‌ زندگي‌ مي‌كنيم‌ كه‌ مملكت‌ امام‌ زمان(عج) و شيعه‌ است.

خوشبخت‌ شدم‌ وقتي‌ شنيدم‌ اين‌ مركز تخصصي‌ مهدويت‌ تأ‌سيس‌ شده. گفتم: خدا را شكر شايد اين‌ كار شما، زحمت‌هاي‌ شما، خدمات‌ شما يك‌ خورده‌ بتواند گرد و غبار غربت‌ و مظلوميت‌ را از چهرهِ مبارك‌ امام‌ زمان(ع) بزدايد اقلاً آقا احساس‌ كند كه‌ در مملكت‌ خودش‌ غريب‌ نيست‌ و الحمدلله‌ رب‌ العالمين‌ اين‌ گونه‌ نيست‌ كه‌ دشمنان‌ بنشيند و بگويند ميدان‌ خالي‌ شده‌ و ما هر چه‌ بگوييم‌ كسي‌ نيست‌ جواب‌ ما را بدهد.

و لذا بنده‌ خيلي‌ خوشبختم‌ و خوشحالم‌ از اين‌ كه‌ به‌ حمدلله‌ چنين‌ گروهي‌ تشكيل‌ شده. دست‌ شماها درد نكند. دست‌ آن‌ مؤ‌سس‌ اوّليه‌ مخصوصاً با توجه‌ به‌ اين‌ كه‌ مقام‌ معظم‌ رهبري‌ هم‌ به‌ حمدلله‌ به‌ اين‌ طرح‌ عنايت‌ دارند. خدا را شكر كه‌ ايشان‌ آگاهند به‌ اين‌ مسايل. مسلماً اشراف‌ دارند و مي‌دانند كه‌ چه‌ مي‌گذرد در اين‌ كشور، در اين‌ مملكت‌ و ان‌ شاء الله‌ پنجه‌هاي‌ علمي‌ شما بتواند گلوي‌ دشمن‌ را چنان‌ بفشارد كه‌ ديگر آن‌ها نتوانند حرف‌هاي‌ آنچناني‌ بزنند. همين‌ طوري‌ كه‌ حاج‌ آقا آقايي‌ اشاره‌ فرمود حركت‌ در اين‌ سو نيازمند به‌ بار علمي‌ است. بايد بار علميتان‌ قوي‌ باشد، بايد بار استدلاليتان‌ قوي‌ باشد اگر از شما بپرسند چرا ما نياز به‌ امام‌ زمان(ع) داريم، براي‌ چه؟ چه‌ جوابي‌ بايد داده‌ بشود؟ جواب‌ استدلالي‌ بدهيد؛ يعني‌ طرف‌ در مقابل‌ شما عاجز بماند. اين‌ خيلي‌ مهم‌ است. چرا حضرت‌ صادق(ع) مي‌فرمايد (لو بقيت‌ الارض‌ بغير امام‌ لساخت)4، براي‌ چه، اين‌ چه‌ لزومي‌ دارد؟ وقتي‌ كه‌ برهان‌ دستان‌ باشد طرف‌ كه‌ در مقابل‌ برهان‌ شما قرار مي‌گيرد، نتواند جواب‌ بدهد. اين‌ خيلي‌ مهم‌ است. اين‌ آثار قلم‌ تان‌ [فصلنامهِ انتظار] را هم‌ مطالعه‌ كردم. دستتان‌ درد نكند، زحمت‌ كشيديد، خيلي‌ خيلي‌ خوب‌ بود. الحمدلله‌ رب‌ العالمين‌ اميدوارم‌ بيشتر ازاين‌ها بتوانيد استفاده‌ و سرمايه‌گذاري‌ كنيد و حتماً به‌ كتب‌ بزرگان‌ سَلف‌ رجوع‌ نماييد، آن‌ها خيلي‌ زحمت‌ كشيدند.

قدم‌هاي‌ زيادي‌ در اين‌ راه‌ برداشته‌ شده، اما خداوند در اجتهاد را باز گذاشته. فكر نكنيد كه‌ حالا آن‌ بزرگان‌ هر چه‌ گفتند همان‌ است. نه‌ تنها درِ اجتهاد در فقه‌ باز است. بلكه‌ درِ تمام‌ علوم‌ عقلي‌ و نقلي‌ باز است. شما بزرگواران‌ مي‌توانيد از اين‌ سفره‌ كه‌ خداوند آن‌ را براي‌ همه‌ گسترده‌ استفاده‌ كنيد.

شما حساب‌ كنيد اين‌ قانوني‌ كه‌ آقايان‌ قانون‌ و قاعدهِ امكان‌ اشرف‌ مي‌نامند بزرگان‌ مي‌آيند اثبات‌ مي‌كنند وجود حضرت‌ بقيّه` الله‌ (ع) را از آن‌ طريق، اين‌ چه‌ جور پايه‌اي‌ دارد؟ از كجا مي‌شود اين‌ قانون‌ را آورد؟ حالا ولو آن‌ كه‌ ملا صدرا بر اين‌ قاعده‌ اشكال‌ كرده‌ و فرموده‌ اين‌ تعبير غلط‌ است‌ و نبايد اين‌ جور بيان‌ كرد. البته‌ ايشان‌ از نظر جنبه‌هاي‌ علمي‌ درست‌ مي‌گويند. ملا صدراي‌ شيرازي‌ صدرالمتأ‌لهين‌ مي‌گويد چرا آقايان‌ مي‌گويند قانون‌ و قاعدهِ امكان‌ اشرف‌ در حالي‌ كه‌ بايد بگويند ممكن‌ اشرف‌ چون‌ اشرفيت‌ از صفات‌ عارضه‌ بر وجود شيء خارجي‌ است‌ نه‌ بر عوارض. خُوب‌ راست‌ مي‌گويد، منتهي‌ به‌ قول‌ آقايان، تعبير، تعبير عنواني‌ است؛ يعني‌ چه‌ ممكنش‌ بخوانيم‌ يا امكان، نظر به‌<ما هوالممكن‌ في‌ الخارج> است‌ علي‌ كل‌ حال‌ كاري‌ به‌ آن‌ جهت‌ ندارم. اين‌ كه‌ آقايان‌ مي‌آيند مسأ‌لهِ وجوب‌ وجود حجت‌ بيان‌ كنند همان‌ طور كه‌ امام‌ حسن‌ عسكري(ع) مي‌فرمايد: <لو بقي‌ في‌ الارض‌ يوماً> اگر يك‌ روز بماند <و لم‌ يكن‌ من‌ الامام>

اگر نباشد از ما اهلبيت‌ هر آينه‌ زمين‌ اهلش‌ را فرو مي‌برد.

چرا؟ براي‌ چه؟ براي‌ اين‌ كه‌ اين‌ فرمايش‌ امام‌ صادق(ع‌) است‌ كه‌ فرمود:

<الحجه`ُ قبل‌ الخلق‌ و مع‌ الخلق‌ و بعد الخلق>5؛

عجب‌ حجت‌ هم‌ بايد قبل‌ ازخلق‌ باشد هم‌ بايد با خَلق‌ باشد و هم‌ بعد از خلق. چرا؟ چون‌ واسطهِ فيض‌ بين‌ حضرت‌ باري‌ تعالي‌ و ساير موجودات‌ كه‌ ماها باشيم، وجود مبارك‌ بقيّه` الله‌ است.

اين‌ تعبيري‌ كه‌ در قرآن‌ دارد با همهِ معناهاي‌ گوناگوني‌ كه‌ آقايان‌ مي‌كنند، به‌ نظر بنده‌ يك‌ معناي‌ بالاتر است، البته‌ ما باز هم‌ ريزه‌خوار سر سفرهِ آنها هستيم‌ و هر چه‌ داريم‌ از خاندان‌ نبوت‌ و ائمه(ع) داريم. اين‌ كه‌ خدا مي‌فرمايد:

(بقيّه`‌الله‌ خيرٌ لكم)

بعد مي‌فرمايد:

( ان‌ كنتم‌ مؤ‌منين)6

ان‌ كنتم‌ مؤ‌منينش‌ را چه‌ جور معنا مي‌كنيد؟ ان‌ كنتم‌ مؤ‌منين‌ يعني‌ چه؟ بقيّه` الله‌ خير لكم‌ ان‌ كنتم‌ يعني‌ چه؟ يعني‌ وجود آقا براي‌ غيرمؤ‌منين‌ خير نيست. با اين‌ كه‌ وجود امام‌ زمان(عج) براي‌ همه‌ خير است‌ براي‌ كل‌ ممكنات‌ . چه‌ حسابي‌ است‌ كه‌ حضرت‌ باري‌ تعالي‌ اينجا مي‌فرمايد:

(بقيّه` الله‌ خير لكم‌ ان‌ كنتم‌ مؤ‌منين).

اين‌ را اگر بخواهيد بشكافيد ... البته‌ چندين‌ معنا شده. يكي‌ از معاني‌اش‌ را اشاره‌ مي‌كنم‌ آقايان‌ تفسيرها را ببينيد ان‌ كنتم‌ مؤ‌منين‌ چند گونه‌ معنا شده‌ ؛ مهم‌ترين‌ آن‌ درك‌ است‌ يعني‌ كأ‌نه‌ اگر شما بفهميد كه‌ اين‌ وجود مبارك‌ است‌ ان‌ كنتم‌ مؤ‌منين‌ نه‌ قيد است‌ براي‌ نفس‌ خيريت‌ زيرا كه‌ وجود باري‌ تعالي‌ وجودش‌ خير مسلم‌ است؛ چه‌ شما قبول‌ بكنيد چه‌ نكنيد.

همچنين‌ وجود حضرت‌ هم‌ خير است، ولي‌ فهمش‌ براي‌ ما مهم‌ مي‌باشد. در چه‌ صورت‌ من‌ مي‌توانم‌ وجود مبارك‌ آقا را خير ببينم؟ آن‌ موقعي‌ كه‌ درك‌ بكنم‌ كه‌ وجود آقا چقدر براي‌ من‌ ضرورت‌ دارد. حتي‌ در يك‌ روايت‌ هم‌ حضرت‌ فرمود آقايان، شيعيان‌

<فاجعلوا لِقائمنا سهماً؛>

حضرت‌ فرمود:

< يك‌ سهمي‌ هم‌ براي‌ امام‌ زمان(عج) بگذاريد.>

لا اله الا‌ الله‌ چه‌ تعبيري‌ حضرت‌ به‌ كار مي‌برد؛ براي‌ امام‌ زمان(عج) هم‌ سهم‌ بگذاريد؛ يعني‌ بفهميد كه‌ امام‌ زمان‌ چه‌ كسي‌ است. اگر چنين‌ كاري‌ كرديد، سهمي‌ قرار داديد. خدا مي‌فرمايد:

(لو عَلِمَ الله‌ مِن نيّتِكُم ذلك؛

اگر خدا از نيت‌ شما آن‌ را دانست‌)

خدا كه‌ مي‌داند كنايه‌ از خارجيت‌ شيء است‌ اگر در نيت‌ شما چنين‌ باشد چه‌ بسا خدا عمر شما را طولاني‌ كند كه‌

<جَعلكم‌ الله‌ من‌ اَعوانِه‌ و اَنصارِه>

اين‌ تكليف‌ ما را روشن‌ كرده‌ كه‌ ما چطور مي‌توانيم‌ جزء ياران‌ آقا باشيم، مهم‌ است‌ كه‌ درك‌ اين‌ مطلب‌ را آدم‌ بكند كه‌ وجود مبارك‌ آقا براي‌ ما يك‌ وجودي‌ است‌ كه‌ داير مدار هستي‌ ما بوده، حيات‌ ما بوده، وجود حقيقي‌ اين‌ عالم‌ مرتبط‌ به‌ حضرت‌ است؛

<بيمنه‌ رزق‌ الوري‌ و بوجوده‌ ثبتت‌ الارض‌ والسماء>7

واقعيت‌ وجود من‌ اين‌ است: من‌ كسي‌ نيستم، وابستهِ به‌ وجود حقيقت‌ آقا هستم‌ چرا؟ براي‌ اين‌ كه‌ او كدخداي‌ عالم‌ طبيعت‌ است‌ به‌ قول‌ حكماي‌ پهلويون‌ - آن‌ها اين‌ تعبير را مي‌كنند - اين‌ وجودي‌ كه‌ آن‌ را تعبير مي‌كنند، به‌ كدبانو، كدبانو و كدخداي‌ عالم‌ طبيعت‌ يا به‌ قول‌ فلسفهِ ارسطو كه‌ تعبير مي‌كند به‌ عقل‌ فعال، اين‌ها هر كدام‌ به‌ لسان‌ خودشان‌ حرف‌ مي‌زنند. حكما و عرفا تعبير مي‌كنند به‌ الكلمه` القدسيه` الا‌لهيه` اما تمام‌ اين‌ها را بگذاريد كنار، به‌ زبان‌ انبيا بگوئيم، به‌ زبان‌ اولياي‌ دين؛ يعني‌ حجه`‌الله‌ بگويم‌ كه‌ حضرت‌ امام‌ هادي(ع) فرمود:

اسم‌ آقا را نبريد.

طرف‌ عرض‌ كرد:

يابن‌ رسول‌اللّه‌ پس‌ ما چه‌ بگوييم‌؟

حضرت‌ فرمود:

به‌ اين‌ تعبير او را بخوانيد: حجه`ُ آل‌ محمد صلوات‌ الله‌ عليهم8

عنايت‌ داشته‌ باشيد چه‌ مي‌خواهم‌ بگويم؛ واقعيت‌ اين‌ است‌ كه‌ اين‌ وجود مبارك‌ يك‌ وجودي‌ است‌ كه‌ وجود تمام‌ اين‌ عالم‌ وابسته‌ به‌ وجود اوست. حالا من‌ نمي‌خواهم‌ العياذ بالله‌ تعبير بكنم‌ به‌ چيزي‌ كه‌ خداي‌ نخواسته‌ يك‌ جوري‌ برداشت‌ بشود. خوب‌ بعضي‌ها مي‌گويند شما آن‌ قدر امام‌ها را بالا مي‌بريد كه‌ كأ‌نه‌ العياذ بالله‌ ايشان‌ را جاي‌ حضرت‌ رُبوبي‌ مي‌گذاريد. نه‌ ما نمي‌خواهيم‌ اين‌ كار را بكنيم؛ چرا كه‌ خودشان‌ هم‌ افتخار مي‌كنند كه‌ بندهِ خدا هستند، ولي‌ گفتند

<نَزِّلُونا عَنِ الرُبوبيه` و قولوا فِينا ما شِئتُم>9

قربانشان‌ بشوم‌ فرمود: از مرحله‌ الوهيت‌ بياييد پايين‌ آن‌ وقت‌ هرچه‌ خواستيد بگوييد همين‌ هم‌ است، ما كه‌ مي‌گوييم‌ وجود اين‌ عالم، حيات‌ اين‌ عالم، قدرت‌ اين‌ عالم‌ و مظهر تمام‌ اين‌ كمالات‌ در وجود مبارك‌ آقاست‌ بله‌ يكي‌ ازعزيزان‌ داشتند به‌ حرم‌ حضرت‌ معصومه(ع) مي‌رفتند كه‌ آمد جلو به‌ من‌ فرمود:

فلاني‌ اين‌ آيه‌ شريفه‌ كه‌ خدا مي‌فرمايد( :قل‌ ادعوا الله‌ او ادعوا الرحمن‌ ايّاماً تدعوا فله‌ الاسماء الحسني01) خدا را بخوانيد به‌ اسماء حسنايش‌ منظور چيست؟

اين‌ اسماء الحسني‌ كه‌ مي‌گويند مظهرش‌ خود ائمه‌ هستند، ائمه‌ مظهر صفات‌ جمالي‌ حضرت‌ باري‌ تعالي‌ هستند، قدرت‌ مي‌خواهيد امام‌ زمان‌ را ببينيد، كمالات‌ حضرت‌ باري‌ تعالي‌ را مي‌خواهيد يا صفات‌ جمالي‌، در وجود مبارك‌ امام‌ است‌ . آنچه‌ بخواهيد خدا در اختيار امام‌ قرار داده‌ .

همهِ ما عقيده‌ مان‌ اين‌ است‌ كه‌ اگر امام‌ غير از اين‌ باشد ما او را امام‌ نمي‌دانيم. امام‌ قدرت‌ تمام‌ اين‌ عالم‌ است.منتهي‌ بنده‌ يك‌ جلسه‌اي‌ داشتم‌ با آقايي‌ كه‌ از آفريقا آمده‌ بود به‌ نام‌ ملا اصغر كه‌ اخيراً فوت‌ كرده‌ است. خيلي‌ موجه‌ بود در كشور آفريقايي‌ و نمايندهِ مراجع‌ در زمان‌ گذشته‌ بود و ايشان‌ آمدند ايران، ديداري‌ داشتند با آقايان‌ و ضمناً به‌ من‌ گفتند: آقا ايشان‌ هم‌ مي‌خواهد با شما يك‌ ديداري‌ داشته‌ باشد و سؤ‌الاتي‌ دارد.

گفتم‌ مانعي‌ ندارد يك‌ جلسه‌اي‌ گذاشتند براي‌ بحث‌ من‌ يادم‌ نمي‌رود يكي‌ از سؤ‌الات‌ ايشان‌ همين‌ بود كه‌ بفرماييد امام‌ زمان(ع)كه‌ مي‌گويند در پردهِ غيبت‌ هست‌ خوب‌ آيا در پردهِ غيبت‌ بودن‌ بيشتر نفعش‌ به‌ جامعه‌ مي‌رسد يا اگر بنا بود محضرش‌ شرفياب‌ مي‌شديم؟ خوب‌ اين‌ چيست‌ كه‌ حضرت‌ فرموده‌ من‌ پشت‌ پردهِ غيبت‌ هستم، وجود من‌ هم‌ پشت‌ پردهِ غيبت‌ مانند خورشيد است‌ پشت‌ ابر؛ حضرت‌ فرمود كه‌ همين‌ طور كه‌ آفتاب‌ پشت‌ ابر هم‌ بي‌نفع‌ نيست، من‌ هم‌ به‌ همين‌ گونه‌ام‌ بعد ايشان‌ فرمود من‌ مطالعات‌ عميقي‌ دربارهِ ولي‌ امر(ع) دارم‌ ايشان‌ ادعا كرد حالا من‌ نمي‌دانم‌ تا چه‌ اندازه‌ اين‌ ادعايش‌ درست‌ بود او مي‌گفت: من‌ هزار تا كتاب‌ در اين‌ باره‌ مطالعه‌ كردم، او مي‌گفت‌ با اين‌ حال‌ من‌ دربارهِ غيبت‌ امام‌ زمان(عج) قانع‌ نشدم؛ كه‌ حضرت‌ پشت‌ پردهِ غيبت‌ باشد.

مقايسه‌ كنيد با اين‌ كه‌ در حضور مردم‌ باشد برابر است‌ گفتم:

كه‌ چشم‌! من‌ حالا ان‌ شاءالله‌ يك‌ عرضي‌ محضرتان‌ مي‌كنم‌ و از خدا كمك‌ مي‌خواهم‌ اميدوارم‌ آن‌ پرده‌ و حجاب‌ جهل، ديگر از شما كنار برود و ان‌ شاءالله‌ مسئله‌ برايتان‌ روشن‌ شود.

گفت‌ بفرماييد. گفتم‌

? آشكارا بودن‌ امام‌ سر به‌ امر محال‌ در مي‌آورد.

يك‌ مرتبه‌ ايشان‌ يكّه‌ خورد و گفت‌ چه‌ فرموده‌ايد؟گفتم‌ نمي‌شود حضرت‌ ظاهر بشود محال‌ است، امكان‌ ندارد. گفت: چرا حاج‌ آقا؟ گفتم‌ حضرات‌ ائمه‌ معصومين‌ سلام‌ الله‌ عليهم‌ اجمعين‌ آن‌هايي‌ كه‌ در جامعه‌ بودند، مشي‌ آنها، حركتشان‌ در جامعه‌ <كمشي‌ احدٍ من‌ الناس> مگر نبود؟ و لذا مي‌گفتند:

( ما لهذا الرسول‌ يأ‌كل‌ الطعام‌ و يمشي‌ في‌ الاسواق1)1

مگر آيهِ قرآن‌ ندارد منافقين‌ و كفار مي‌گفتند اين‌ چه‌ پيغمبري‌ است‌ كه‌ غذا مي‌خورد و راه‌ مي‌رود؟ يعني‌ اين‌ عالم‌ تأ‌ثير در ظاهر وجود مبارك‌ آنها مي‌كرد. ضربهِ شمشير به‌ وجودش‌ اثر مي‌كرد زهر اثر مي‌كرد، مگر غير از اين‌ است‌ كه‌ گفته‌اند حضرت‌ ائمه(ع) وجود رسول‌ الله‌ اين‌ها طوري‌ در ميان‌ مردم‌ زندگي‌ مي‌كردند كه‌ هر نوع‌ فعل‌ و انفعالي‌ كه‌ مي‌خواست‌ براي‌ ساير مردم‌ پيش‌ بيايد براي‌ آن‌ها نيز پيش‌ بيايد. چرا؟ چون‌ ذات‌ اقدس‌ حق‌ ملت‌ را مي‌خواست‌ با همين‌ حالت‌ نگهداري‌ كند و بگويد كه‌ پيغمبر ملك‌ نيست‌ از خودتان‌ است‌ مثل‌ خودتان‌ راه‌ مي‌رود، مي‌نشيند، مي‌خوابد، همهِ چيزهاي‌ عالم‌ بر او اثر ميگذارد.

اگر حضرت‌ بقيّه`‌الله‌ روحي‌ له‌ الفداه‌ تشريف‌ بياورد و بخواهد آشكارا داخل‌ جمعيت‌ باشد از شما سؤ‌ال‌ مي‌كنم‌ اگر وجود مبارك‌ آقا كه‌ منشأ‌ آثار بسياري‌ از هر جهت‌ در جامعهِ ما هست‌ مثلاً او را بزنند بكشند، امثال‌ ذلك‌ بر او اثربكند يا نكند؟ به‌ قول‌ آقايان‌ حصر عقلي‌ است‌ نفي‌ و اثبات‌ است‌ از دو حال‌ خارج‌ نيست‌ يا بايد اين‌ آلات‌ قتاله‌ بتواند اثري‌ در وجود آقا بكند يا نه؟ ديگر از اين‌ دو حال‌ كه‌ خارج‌ نيست‌ اگر بنا شود اثر بكند و بخواهد آقا العياذ بالله‌ از بين‌ برود خوب‌ با آن‌ اصل‌ ما چه‌ مي‌شود؟ <لو لا الحجه` لساخت‌ الارض> اين‌ را بايد اول‌ قبول‌ كنيم؛ گفت‌ نه‌ من‌ قبول‌ دارم‌ چرا كه‌ اگر بخواهيم‌ حضرت‌ نباشد با آن‌ اصل‌ نمي‌سازد؛ چون‌ آخرين‌ حجت‌ ماست‌ گفتم‌ اگر اين‌ گونه‌ نباشد مردم‌ كافر مي‌شوند؛ <لكفر الناس‌ جميعاً) گفتم‌ همه‌ مي‌گويند <و ا‌نتَ رب>، چرا كه‌ دربارهِ اميرالمؤ‌منين‌ يك‌ عده‌ عليّ‌ اللّهي‌ شدند. آقايان‌ خوب‌ عنايت‌ داريد اگر بنا باشد امام(ع) در متن‌ جامعه‌ باشد به‌ عنوان‌ يك‌ وجود استثنايي‌ و هيچ‌ چيز در وجودش‌ اثر نگذارد اين‌ چه‌ انساني‌ است. اين‌ انسان‌ نيست. اصلاً العياذ بالله‌ مثل‌ اين‌ كه‌ خدا است، مخصوصاً هم‌ كه‌ امام‌ اعجاز و قدرت‌ دارد.

ديگر اين‌ كه‌ اميرالمؤ‌منين‌ مي‌فرمايد:

<چنان‌ چه‌ شما هم‌ در مكتوبتان‌ [فصلنامهِ انتظار] نوشتيد از قول‌ عبدالعظيم‌ حسني.>

ابي‌ جعفر ثاني‌ مي‌گويد

من‌ دارم‌ مي‌بينم‌ كه‌ <كاَنّي‌ بالشيعه` يجولون‌ جولان‌ النعم> مي‌آيد.

مي‌بيند مثل‌ چهار پاياني‌ كه‌ دور مي‌زنند و دنبال‌ مرتع؛ يعني‌ چراگاه‌ ميگردند <فَلا يَجِدونه> ولي‌ چراگاه‌ پيدا نمي‌كنند. حضرت‌ فرمود مي‌بينم‌ شيعيان‌ ما آن‌ روز اين‌ گونه‌اند.

بعد فرمود آگاه‌ باشيد! <فمن‌ ثبت‌ علي‌ دينه‌ لم‌ يقس‌ قلبه>

قلبش‌ خسته‌ نشود به‌ طول‌ مدت‌ غيبت‌

? <و هو معي‌ في‌ درجتي‌ يوم‌ القيامه>. بعد حضرت‌ در پايانش‌ اين‌ جمله‌ را دارد كه‌ به‌ حمدالله‌ مستحضريد من‌ فقط‌ بعنوان‌ تذكر مي‌گويم‌ حضرت‌ فرمود: براي‌ اين‌ كه‌ آن‌ آقازاده‌ - فرزند من‌ - كه‌ مي‌آيند

<انّ القائم‌ منّا اذا قام‌ لم‌ يكن‌ لاحد في‌ عنقه‌ بيعه`>12

اين‌ عبارت‌ همان‌ معناي‌ بنده‌ را مي‌رساند اين‌ بيعت‌ يعني‌ چه؟

حضرت ائمه‌ دستورالعمل‌ داشتند؛ شما فلان‌ جا تسليم‌ شويد. تسليم‌ شدن‌ يعني‌ بيايند در خانه‌ امام‌ صادق‌ بريزند؟ تسليم يعني‌ حضرت‌ رضا(ع)را ببرند؟ مالك‌ اشتر به‌ حضرت‌ علي(ع) گفت:<ما الفَرق‌ بَيني‌ و بَينَك‌ يا اميرالمؤ‌منين> ؛ من‌ و تو چه‌ فرقي‌ با هم‌ داريم؟ <الا بالواحد> تو هزار و يك‌ نفر را كشتي، من‌ هزار نفر را حضرت‌ فرمود: بله، تو از دم‌ همه‌ را گردن‌ مي‌زني‌ ولي‌ من‌ به‌ اعقاب‌ نگاه‌ كردم‌ ديدم‌ در طبقهِ چندم‌ اين‌ها بچه‌ شيعه‌اي‌ بخواهد بيايد آن‌ را نزدم. ببينيد امام‌ اينجوري‌ به‌ اعقاب‌ نگاه‌ مي‌كند. ما بايد هم‌ پدر را حفظ‌ كنيم، هم‌ اعقاب‌ را. اگر بنا باشد همه طبقهِ مردمي‌ كافر بشوند، آن‌ وقت‌ ديگر لَم يخلق‌ في‌ الارض‌ هيچ‌ كس‌ در زمين‌ خلق‌ نمي‌شود همين‌ كه‌ حضرت‌ نوح‌ مي‌گويد

( ربّ لاتذر علي‌ الارض‌ من‌ الكافرين‌ ديّارا31)،

واقعاً اينطور مي‌شود گفتم‌ اين‌ كه‌ امام‌ زمان‌ را خدا نگه‌ مي‌دارد تا پشت‌ پردهِ غيبت‌ بماند، بعد از وجود بقيه`‌الله(ع) بحث‌ پايان‌ كار آن‌ حضرت‌ به‌ ميان‌ مي‌آيد و لذا حضرت‌ فرمود. او وقتي‌ بيايد با احدي‌ قراري‌ ندارد. گفتم‌ عزيز من‌ اين‌ كه‌ خداي‌ عزوجل‌ حضرت‌ را پشت‌ پرده‌ نگه‌ داشت‌ ان‌ شاءالله‌ بيايد در آمدنش‌ كار تمام‌ مي‌شود، اما اگر حضرت‌ حالا مي‌خواست‌ مثل‌ سايرائمه‌ باشد جامعهِ ما به‌ هم‌ مي‌ريخت‌ - خدا ان‌ شاءالله‌ حفظش‌ كند - آقا به‌ محضي‌ كه‌ اين‌ را گفتم‌ ايشان‌ گفت‌ عجب! نكتهِ خوبي‌ را به‌ من‌ تذكر دادي‌ حاج‌ آقا. جداً بارك‌ الله!

گفتم‌ البته‌ باز گفتم‌ من‌ چيزي‌ بلد نيستم‌ بزرگاني‌ هستند كه‌ علم‌ شان‌ بيش‌ از اينهاست. من‌ خيلي‌ وقت‌تان‌ را گرفتم‌ ان‌ شاءالله‌ بايد ببخشيد يك‌ خرده‌ زبان‌ ما باز شد و زياد صحبت‌ كرديم. استدعا و خواهش‌ من‌ از شما عزيزان‌ اين‌ است‌ اين‌ كارتان‌ را با دل‌ گرمي‌ با علاقهِ بسيار دنبال‌ كنيد و واقعاً زحمت‌ بكشيد و معتقد باشيد كه‌ حضرت‌ غريب‌ و مظلومند.

ان‌ شاء الله‌ با سعي‌ و تلاشتان‌ اين‌ غربت‌ را از صورت‌ آقا بزدائيد و نگذاريد آقا غريب‌ بماند. اميدوارم‌ روز به‌ روز تلا‌شتان گسترش‌ بيشتر داشته‌ باشد و توفيق‌ بيشتري‌ داشته‌ باشيد در پايان‌ بحث‌ به من‌ اجازه‌ بدهيد اين‌ جمله‌ را به‌ حضرت‌ بگويم؛

يا صاحب‌ العصر امام‌ المنتظر يابن‌ رسول‌ الله‌ مَن بِما يأ‌باه‌ لايَجِري‌ القَدَر

قدري‌ پيش‌ نمي‌رود اگر حضرت‌ اجازه‌ ندهد.

همين‌ طور <يا امين‌ الله‌ يا شمس‌ الهدي> اي‌ امين‌ حضرت‌ باري‌ تعالي، اي‌ شمس‌ هدايت‌ جامعهِ بشريت، اي‌ پيشواي‌ مردم‌ اي‌ درياي‌ مرحمت‌ و كرم‌

<عجّلن‌ عَجّل‌ فقد طال‌ المُدي>

آقاجان‌ زودتر تشريف‌ بياوريد خيلي‌ چشم‌ انتظار وجودتان‌ هستيم.

يابن‌ رسول‌الله‌ <عجّلن‌ عَجّل‌ فقد طال‌ المُدي‌ واضمحلّ الدين‌ و استولي‌ الضلال>14

ديگر چه‌ از دين‌ مانده؟ چيزي‌ نمانده. خدايا به‌ حق‌ محمّد و آل‌ محمّد فرج‌ آقاي‌ ما را نزديك‌ بگردان. خدايا ما كه‌ نمي‌توانيم‌ حق‌ آقا را ادا كنيم‌ ولي‌ هر چقدر مقدور است‌ توفيق‌ اداي‌ حق‌ به‌ ما مرحمت‌ بفرما.

خدايا اين‌ عزيزاني‌ كه‌ در اين‌ راه‌ خط‌ مشق‌ گرفتند، توفيق‌ بيش‌ از اين‌ به‌ آن‌ها عنايت‌ بفرما. اين‌ مملكت‌ و اين‌ كشور امام‌ زماني‌ را از شرّ اجانب‌ مخصوصاً استكبار جهاني‌ حفظ‌ بفرما.

خدايا تو را به‌ حق‌ امام‌ زمان(ع) قَسَمَت‌ مي‌دهيم‌ ملت‌ عراق‌ را از چنگال‌ اين ابرقدرت‌ها نجات‌ مرحمت‌ فرما. خدايا روحانيت‌ عزيز، عزيزان‌ در جلسه، مقام‌ معظم‌ رهبري، مراجع‌ بزرگوار، علماي‌ ما خدايا همه‌ شان‌ را حفظ‌ بفرما. رفتگان، گذشتگان، شهداي‌ عزيز، مرحوم‌ امام، مراجع‌ گذشته، خدمتگزاراني‌ كه‌ بودند و رفتند، خدايا همه‌شان‌ را غريق‌ رحمت‌ بفرما.

والسّلام‌ عليكم‌ و رحمه` الله‌ و بركاته‌

پرسش‌ و پاسخ‌

دو تا سؤ‌ال‌ از محضر حضرت‌ آيت‌الله‌ العظمي‌ علوي‌ گرگاني‌ داريم: يكي‌ در مورد كساني‌ كه‌ مروجين‌ افراطي‌ ملاقات‌ با حضرت‌ هستند تا چه‌ اندازه‌ به‌ نظر حضرت‌ عالي‌ درست‌ است‌ و ما با اين‌ گونه‌ افراد چگونه‌ برخورد كنيم؟ سؤ‌ال‌ ديگر در رابطهِ با كساني‌ است‌ كه‌ معتقدند الان‌ بعضي‌ از علايم‌ ظهور يا خيلي‌ از علائم‌ ظهور ظاهر شده‌ است. شايد الان‌ نگوييم‌ عنقريب، ولي‌ به‌ هر تقدير حضرت‌ آمادهِ ظهورند. به‌ ايام‌ ظهور حضرت‌ آنقدري‌ نمانده‌ است.اين‌ دوتاتعبير و اين‌ دو تا برداشت‌ به‌ نظرحضرت‌ عالي‌ چه‌ پاسخي‌ دارد و ما در رابطه‌ با اين‌ افراد و يا سؤ‌الاتي‌ كه‌ هست‌ چه‌ پاسخي‌ بدهيم؟

حضرت‌ آيه` الله‌ علوي‌ گرگاني:

عرض‌ مي‌شود پاسخ‌ سؤ‌ال‌ اولتان‌ اين‌ است‌ كه‌ خوب‌ آقايان‌ عنايتي‌ دارند كه‌ البته‌ در دستور اخبار و روايات‌ هيچ‌ گونه‌ اشاره‌اي‌ به‌ اين‌ مطلب‌ نشده‌ (كه‌ يكي‌ از چيزهايي‌ كه‌ از خدا بخواهيم‌ و موجب‌ خواسته‌هاي‌ ما باشد اينكه‌ حتماً حضرت‌ را ملاقات‌ كنيم. نه‌ خب‌ شما ملاحظه‌ مي‌فرماييد حتي‌ در داستان‌هايي‌ هم‌ كه‌ از بعضي‌ از بزرگان‌ نقل‌ شده‌ مثل‌ قضيهِ مرحوم‌ شيخ‌ بهايي‌ كه‌ با وسايل‌ رَمل‌ مي‌خواست‌ حضرت‌ را پيدا كند؛ آخرش‌ آمد تا كاشان‌ و برخورد به‌ شخصي‌ كه‌ نشسته‌ بود و مسگر بود آقا امام‌ زمان(عج) تشريف‌ آوردند و نگاه‌ كردند. شيخ‌ بهايي‌ آمد بالاي‌ سر حضرت‌ ايستاد تا موقع‌ نماز شد. بنده‌ خدا گفت: مي‌خواهم‌ بروم‌ نماز و اگر مي‌فرماييد تشريف‌ بياوريد منزل. آقا فرمود: نه‌ بفرماييد، ما مي‌رويم. حضرت‌ راه‌ افتاد كه‌ برود. شيخ‌ بهايي‌ (ره) پشت‌ سر آقا با كمال‌ ادب‌ ايستاد.

آقا رويش‌ را برگرداند و به‌ شيخ‌ فرمود يا شيخ‌ كاري‌ بكن‌ تا ما بياييم‌ سراغ‌ تو نه‌ تو بيايي‌ سراغ‌ ما.

خوب‌ اين‌ چه‌ چيز را مي‌رساند؟ اين‌ فرمايش‌ آقا اين‌ نكته‌ را مي‌رساند كه‌ ما دستور اين‌ كار را نداريم‌ كه‌ پا بشويم‌ هر طور كه‌ شد آقا را ملاقات‌ كنيم. گاهي‌ بعضي‌ عزيزان‌ مي‌آيند به‌ من‌ مي‌گويند كه‌ چگونه‌ مي‌شود با امام‌ ملاقات‌ كرد؟

به‌ آن‌ها مي‌گويم: شما برويد دنبال‌ آن‌ چيز كه‌ دستور داريد البته‌ ما انكار نمي‌كنيم‌ كه‌ بعضي‌ از شخصيت‌ها حضرت‌ را ديدند. مسئله‌ اين‌ نيست‌ همان‌ گونه‌ كه‌ از سيد بحرالعلوم(ره) هم‌ وقتي‌ سؤ‌ال‌ كردند آقا ما شنيديم‌ شما آقا امام‌ زمان‌ را ديديد، در حالي‌ كه‌ شما مأ‌مور به‌ تكذيب‌ ايد گفتند: اگر بنده‌ هم‌ گفتم‌ بله، بگوييد نه‌ اين‌ واقعيت‌ ندارد. پس‌ بنابراين‌ قضيه‌ (حرف‌ زدن‌ از ديدن‌ امام‌ زمان<عج>) - همين‌ طوري‌ كه‌ جنابعالي‌ اشاره‌ فرموديد - تالي‌ فاسد دارد.

بعضي‌ها مي‌گويند بله‌ ديشب‌ من‌ آقا امام‌ زمان(عج) را ديدم‌ و حضرت‌ چنين‌ و چنان‌ بود. با اين‌ مسايل‌ ديگران‌ بازيچه‌ مي‌شوند. پس‌ ما به‌ اين‌ها نبايد زياد اهميت‌ بدهيم. البته‌ نبايد جوري‌ برخورد كنيم‌ كه‌ رسماً اصل‌ قضيه‌ برود زير سؤ‌ال.

اما راجع‌ به‌ قضيهِ آمدن‌ و علايم‌ و ...، خب‌ البته‌ عنايت‌ داريد علائم‌ كه‌ هميشه‌ بوده‌ و هست‌ و مسلماً باز هم‌ هست. و اين‌ها را ائمه‌ فرمودند براي‌ اين‌ كه‌ ما را بيشتر به‌ انتظار فرج‌ بگذارند، كه‌ ما بيشتر انتظار مبارك‌ آقا را داشته‌ باشيم. اين‌ يك‌ واقعيت، اما اين‌ كه‌ حالا بياييم‌ بگوييم‌ مثلاً الان‌ آقا پشت‌ دروازهِ قم‌ هست‌ و بنااست‌ تشريف‌ بياورد. اين‌ حرف‌ها نيست؛ چرا كه‌ آن‌ ديگر به‌ دست‌ مبارك‌ خودش‌ هست‌ ايشان‌ مي‌فرمايد <از خدا بخواهيد كه‌ زودتر فرج‌ نزديك‌ بشود> خب‌ البته‌ اين‌ علايم‌ هم‌ همه‌ را نمي‌شود انكار كرد بعضي‌ هايش‌ علايم‌ محتومه‌ هست، ولي‌ ما دستور داريم‌ تا همين‌ اندازه‌ بحث‌ كنيم‌ و از اين‌ بيشتر لزوم‌ ندارد.

اين‌ تعبير كه‌ برخي‌ مي‌گويند ظهور نزديك‌ است‌ آيا درست‌ است‌ يا نه؟

حضرت‌ آيت‌الله‌ علوي‌ گرگاني:

عرض‌ كردم‌ از نظر نسبت‌ بله؛ نسبت‌ به‌ گذشته‌ بله‌ نزديك‌تر شده، اما اين‌ به‌ معنايي‌ نيست‌ كه‌ آنها منظورشان‌ اين‌ است‌ كه‌ مي‌خواهند بگويند همين‌ الان‌ حضرت‌ مي‌آيد. نه‌ اين‌ درست‌ نيست.

البته، مسلماً ماها به‌ ظهور حضرت‌ نزديكتريم‌ تا آنهايي‌ كه‌ در گذشته‌ زندگي‌ مي‌كردند. نظرم‌ اين‌ است‌ كه‌ ما بيشتر بايد خودمان‌ را آماده‌ كنيم‌ براي‌ اين‌ كه‌ حضرت‌ ما را بپذيرد. خداوند توفيق‌ بدهد.

: حضرت‌ عالي‌ فرموديد برخي‌ از بزرگواران‌ مثل‌ شيخ‌ بهايي‌ معتقدند به‌ اين‌ كه‌ ما به‌ هيچ‌ عنوان‌ امر نشديم‌ بر درخواست‌ ديدار و ملاقات‌ با امام‌ زمان(عج)، اما كساني‌ كه‌ مخالف‌ اين‌ ديدگاه‌ هستند مي‌فرمايند ما روايات‌ و ادعيه‌اي‌ داريم‌ مثلاً دعاي‌ عهد اللهم‌ ارنا الطلعه` الرشيده` بيان‌ مي‌دارد كه‌ اين‌ امر مستحبي‌ است‌ ولي‌ افراطش‌ غلط، ولي‌ آيا طلب‌ ديدار نمودن‌ اشكال‌ دارد يا نه؟

حضرت‌ آيت‌ الله‌ علوي‌ گرگاني:

ابتدا بايد عرض‌ كنم‌ كه‌ <اللهم‌ ارنا الطلعه` الرشيده`> يعني‌ چه؟ اين‌ چه‌ جور معنا مي‌ شود؟

ببينيد از خواسته‌ فرج‌ صحبت‌ كرده‌ يعني‌ خدايا آقا را به‌ من‌ نشان‌ بده؛ يعني‌ چه؟ يعني‌ حضرت‌ را ظاهرش‌ كن، فرج‌ را نزديك‌ كن، اين‌ قبول. ديدن‌ امام‌ صد در صد ثواب‌ دارد اما خودت‌ را بساز تا امام‌ تو را ببيند ما به‌ اين‌ مأ‌موريت‌ داريم‌ اگر از كسي‌ سؤ‌ال‌ كنيم‌ حاج‌ آقا خودم‌ را جوري‌ بسازم‌ كه‌ امام‌ را ببينم‌ بد است؟ نه‌ افتخار مي‌كنيم.

شايد علت‌ اين‌ كه‌ نفرمودند اين‌ است‌ كه‌ ديدند تالي‌ فاسد دارد نه‌ اين‌ كه‌ ذاتاً بد باشد؛ يعني‌ اين‌ كه‌ اگر طرف‌ واقعاً بتواند خودش‌ را بسازد و محضر مبارك‌ آقا برسد، ما قبولش‌ هم‌ داريم، دستش‌ را هم‌ مي‌بوسيم. نمي‌خواهم‌ اين‌ را انكار كنم، اما صحبت‌ در اين‌ است‌ كه‌ اگر مي‌خواستند مي‌گفتند: <مَن زَارَ...> و اگر اينگونه‌ مي‌گفتند باور كنيد كه‌ امروز همه‌ مي‌گفتند ما امام‌ زمان(عج) را ديديم. اين‌ كه‌ من‌ مي‌گويم‌ يك‌ حكمتش‌ اين‌ است‌ كه‌ اين‌ همه‌ روايت‌ راجع‌ به‌ ائمه‌ داريم‌ شما يك‌ روايت‌ پيدا كنيد راجع‌ به‌ امام‌ زمان. من‌ خودم‌ گشتم‌ يك‌ دانه‌ پيدا نكردم‌ كه‌ به‌ همين‌ صورت‌ تعبير كرده‌ باشد كه‌ طلب‌ كنيد زيارت‌ آقا را در اين‌ دعاها هست‌ كه‌ خدايا فرج‌ را نزديك‌ كن، آقا را به‌ ما نشان‌ بده، اما اين‌ها يك‌ معناي‌ ديگر دارند. اينجور نيست‌ معنايش‌ كه‌ من‌ آقا را با چشمم‌ ببينم، من‌ بروم‌ محضر آقا شرفياب‌ بشوم‌ و برگردم‌ و بيايم، اين‌ نيست.

البته‌ نمي‌خواهم‌ خداي‌ نخواسته‌ روِ‌يت‌ افراد بزرگوار را انكار كنم. الان‌ هم‌ بنده‌ كساني‌ را سراغ‌ دارم‌ كه‌ چه‌ بسا با حضرت‌ ارتباط‌ دارند و دستور از آقا مي‌گيرند صد در صد بدانيد اگر در اين‌ مملكت‌ ارتباطي‌ با حضرت(ع) نباشد نمي‌شود اين‌ مملكت‌ را اداره‌ كرد. پس‌ حتماً ارتباط‌ هست‌ منتهي‌ لازم‌ نيست‌ كه‌ بنده‌ پا بشوم‌ بروم‌ آن‌ جا محضر آقا مثلاً و بگويم‌ آقا سلام‌ عليكم‌ بنده‌ چه‌ ... نه، حضرت‌ ارتباط‌ واقعي‌ با ما برقرار مي‌كند؛ يعني‌ بنده‌ متوسل‌ مي‌شوم، حضرت‌ نشان‌ مي‌دهد واقعه‌ را. ديگر مگر ما چي‌ مي‌خواهيم؟ اين‌ است‌ كه‌ به‌ نظر من‌ فرمايشتان‌ درست‌ است. ما نمي‌گوييم‌ زيارت‌ امام‌ بد است، اما خودتان‌ را اصلاح‌ كنيد كه‌ حضرت‌ به‌ ديدارتان‌ بيايد. اين‌ خوب‌ است.

به‌ هر حال‌ ديدار امام‌ مطلوب‌ كه‌ هست؟

حضرت‌ آيت‌الله‌ علوي‌ گرگاني:

با اين‌ بياني‌ كه‌ من‌ كردم‌ مي‌خواهم‌ بگويم‌ علت‌ اين‌ كه‌ نگفتند چرا؟ چون‌ ديدند از اين‌ جهت‌ شايد مطرح‌ كردن‌ اين‌ هم‌ تبعات‌ دارد. اين‌ كه‌ بگوييم‌ آقايان‌ حتماً برويد امام‌ زمان‌ را ببينيد، درست‌ نيست. بهتر است‌ بگوييم‌ آقايان‌ خودتان‌ را جوري‌ بسازيد كه‌ لياقت‌ درك‌ محضرش‌ را داشته‌ باشيد اشكالي‌ ندارد. بنده‌ هم‌ در منبرم‌ براي‌ مردم‌ مي‌گويم، جوري‌ خودتان‌ را بسازيد كه‌ لياقت‌ درك‌ محضرش‌ را داشته‌ باشيد اين‌ اشكال‌ ندارد.

متوجه‌ باشيد كه‌ هر كسي‌ را خدا يك‌ جور بهشت‌ مي‌برد فرق‌ نمي‌كند. مهم‌ اين‌ است‌ كه‌ انسان‌ در خدمت‌ خدا باشد و براي‌ خدا زندگي‌ كند.

گاهي‌ يك‌ عملي‌ به‌ قدري‌ ارزش‌ دارد كه‌ خدا در مقابل‌ آن، همهِ هشت‌ درب بهشت‌ را به‌ او [صاحب‌ عمل] مي‌دهد.

اينكه‌ مي‌گويند جهت‌ ديدار آقا چهل‌ شب‌ چهارشنبه‌ مثلاً به‌ مسجد سهله‌ برويد؟ نظر شما در اين‌ باره‌ چيست؟

حضرت‌ آيت‌الله‌ علوي‌ گرگاني:

من‌ كه‌ خدمتتان‌ عرض‌ كردم؛ نمي‌خواهم‌ بگويم‌ خداي‌ نخواسته‌ بد است‌ من‌ مي‌خواهم‌ بگويم‌ ما دستوري‌ در اين‌ رابطه‌ نداريم‌ البته‌ ممكن‌ است‌ بنده‌ خودم‌ اين‌ كار را كرده‌ باشم، اما بنده‌ نمي‌آيم‌ بگويم‌ آقايان‌ من‌ چنين‌ كاري‌ كردم. نخير شما اين‌ كار را بكنيد چه‌ اشكالي‌ دارد، آدم‌ اگر كاري‌ بكند كه‌ حضرت‌ را ببيند افتخار است، ولي‌ اگر بخواهيم‌ اين‌ را زياد بازگو كنيم‌ و مردم‌ را بيندازيم‌ در آن‌ وادي‌ كه‌ جور ديگر برداشت‌ كنند خطر دارد.

يكي‌ از بزرگان‌ مي‌گفت: خدمت‌ يك‌ آقايي‌ رسيدم‌ كه‌ پيش‌ از انقلاب‌ بهايي‌ شده‌ بود. گفتم‌ چرا بهايي‌ شدي؟ گفت: به‌ ما گفتند كه‌ اگر اينقدر برويد جمكران‌ آقا را مي‌بينيد ما رفتيم، ديديم‌ خبري‌ نيست. گفتند اين‌ كار را بكن‌ آقا را مي‌بيني‌ باز هم‌ كرديم‌ خبري‌ نشد. پس‌ فهميديم‌ اصل‌ مسئله‌ دروغ‌ است‌ ما كلي‌ با ايشان‌ صحبت‌ كرديم‌ تا ايشان‌ را برگردانديم.

------------------

پي نوشت ها:

1. قصص، 51.

2. بحارالانوار، ج‌ 90، ص‌ 282.

3. قصص، 51.

4. كافي، ج‌ 1، ص‌ 179.

5. كافي، ج‌ 1، ص‌ 177.

6. هود، 86.

7. مفاتيح‌ الجنان، دعاي‌ عديله`.

8. سفينه`‌البحار، ج‌ 2، ماده‌ هدي.

9. كتاب‌ مقام‌ ولايت‌ شرح‌ زيارت‌ جامعه، ص‌ 289.

10. اسراء، 110.

11. فرقان‌ (25)، 7.

12. سفينه`‌البحار، ج‌ 2، مادهِ هدي.

13. نوح، 26.

14. سفينه`‌البحار، ج‌ 2، مادهِ هدي.